**در نقد شعر فارسی**

**برهانی، مهدی**

کتاب(چشمه روشن)نقد و بررسی هفتاد و دو قطعه شعر از هفتاد و دو شاعر از زمان رودکی تا عصر حاضر، نوشتهء دکتر غلامحسین یوسفی در 850 صفحه به بهای پانصد تومان انتشارات‏ علمی،چاپ اول پاییز 1369 در 3300 نسخه

استاد دکتر غلامحسین یوسفی از محققان برجسته و ادیبان شناخته شدهء عصر حاضر است که‏ به ادب فارسی و عربی و فرنگی آشنایی و تسلط دارد و از جهات مختلف فضل و ادب و اخلاق‏ مورد احترام همگان است و طبعا کارهای ارائه شده از سوی او با استقبال ادب دوستان روبرو می‏شود.

کتاب اخیر او(چشمه روشن)از جمله کتبی است که جای امثال آن در ادب فارسی خالی‏ است.زیرا در زبان فارسی منتقدین،شعرا،و شعر دوستان برای بررسی شعر و نقد آن مآخذ بسیار محدودی در دسترس دارند.جز آثار نیما مانند(ارزش احساسات)،(نامه‏های همسایه)و نقد ادبی‏ زرین کوب و(بدایع و بدعت‏های نیما)نوشته اخوان ثالث یا(موسیقی شعر)و(صور خیال)و (شاعر آینه‏ها)اثر شفیعی کدکنی کتاب مدون دیگری که شعر را بیغرضانه نقد کند یا مبانی نقد علمی را عرضه نماید در ادب امروز فارسی وجود ندارد.

مقالات پراکنده دکتر خانلری و امید و چند نافذ دیگر نیز در نشریه‏های گوناگون پراکنده‏ است و دسترسی به آنها به آسانی برای همه میسر نیست.به هر روی جای چنین کتبی در فرهنگ و ادب ایران خالی است و آنچه موجود است متناسب با پیشینیهء شعر و ادب فارسی و ارزش اشعار این‏ زبان نیست و هنوز هم سینه شعر فارسی برای یک کالبدشکافی علمی باز نشده است،در این کتاب، اساس نقد شعر هر شاعری را،استاد یوسفی،یک قطعه شعر قرار داده است.در پاره‏ای موارد آن‏ شعر شاهکار شاعر و نمونه کامل کار شاعرست در بعضی موارد نیز چنین نیست و دکتر یوسفی خود به سلیقه خویش قطعه شعری را برگزیده و آن را مورد نقد و نظر قرار داده است.اگر از حافظ و مولانا و سعدی و فردوسی و نظامی و...و در بین معاصران بهار و اخوان و فروغ و چند شاعر دیگر بگذریم بیشتر شعرا گویی برای آفرینش یک یا دو شعر همه وجود و ذهن و استعدادشان بسیج شده‏ است.درباره استاد خانلری گفته‏اند اگر تنها(عقاب)را سروده بود می‏توانست در شمار شعرای‏ برگزیده تاریخ هزار و سیصد ساله شعر فارسی قرار گیرد.یا(نگاه)رعدی می‏تواند در همه اعصار حاضر و ناظر بر ادب فارسی باشد.هاتف ترجیع بندش چنین وضعیتی دارد.

نویسندهء(چشمه روشن)با توجه به یک شعر به نقد کار هر شاعری پرداخته است:«... بنده چنین تصور می‏کنم که به این ترتیب خواننده به بحثی عینی‏تر و دقیق‏تر سروکار خواهد داشت‏ تا آنکه از مجموعهء آثار شاعری بطور کلی گفتگو شود.دیوید دیچز در کتاب شیوه‏های نقد ادبی... می‏نویسد:«بهترین و مشخص‏ترین نقد جدید ترجیح می‏دهد که با یک اثر ادبی واحد سروکار داشته‏ باشد نه با مجموعه آثار یک مصنف...»1

در این اثر استاد یوسفی به هر شعری،فارغ از سبک و نوع آن پرداخته است.گاه غزل و گاه قصیده و گاه مثنوی یا قطعه و رباعی را مورد بررسی قرار داده است،در شعر کلاسیک و مدرن‏ نیز هرکدام را که استاد پسندیده برای نقد برگزیده است اگر از رودکی و فردوسی و...سخن‏ می‏گوید،از اخوان،سایه،و شفیعی کدکنی و...آنهم در کنار حمیدی و لطفعلی صورتگر غافل‏ نمی‏ماند.برای او شعر مطرح است و نمونه‏ها(هرچند کامل نیست)باز نشانگر آن است که‏ گرایش‏ها و تمایلات ویژه‏ای نیز مطمع نظر استاد نبوده است بی‏نظری و بی‏غرضی در نحوهء گزینش‏ شعرا کاملا محسوس است.

نمی‏توان در باب سلیقهء محقق استاد اظهار نظری قاطع کرد و نمی‏توان معترض شد که چرا شعرایی را که برگزیده است در یک سطح نیستند.بی‏گمان بین قدما و معاصران افراد سزاواری از یاد رفته‏اند.زیرا استاد در مقدمه خود از عنوان کردن چنین اعتراضاتی پیش‏گیری کرده است و می‏نویسد:«اگر در این‏جا نام و اثر بعضی شاعران قدیمی یا معاصر نیامده است بدان سبب نیست که‏ نویسنده به ارزش آثار آنان توجه نداشته است.بلکه بواسطه محدودیت مجال بوده است...»2و باز نوید داده است این سری نقدها بدنبال هم در آینده به چاپ خواهد رسید و ما برای استاد آرزوی‏ سلامت و توفیق در تکمیل این هدف را داریم.

نکته بسیار مهم که برای نقد شعر معاصر اهمیت ویژه‏ای دارد آن است که استاد از بین‏ شعرای ده قرن گذشته تنها به گزینش بیست و پنج شاعر بسنده کرده و چهل و هفت شاعر دیگر از بین شعرای عصر مشروطیت و دوران معاصر برگزیده شده‏اند.باز از بین این شعرا تنها ده یازده شاعر از شعرای پیرو سبک نیمایی هستند و سی و پنج شاعر دیگر شاعران کلاسیک معاصرند،آنهم با ترکیبی‏ شگفت آور:امیری فیروزکوهی و سهراب سپهری،حبیب خراسانی و شفیعی کدکنی،گلچین معانی و شاملو و...

یکی دو شاعر هم شعرای غیر ایرانی پارسی‏گو در دوران اخیر هستند؛خلیلی از افغانستان و یک تن از تاجیکستان و اقبال لاهوری از هند.

اگر دکتر یوسفی شاعر هم باشد سیطرهء تحقیقات و پایگاه والای او در دانشهای ادبی سبب‏ شده است که او تاکنون به شاعری شهرت نیابد و خود نیز چنین تمایل و نمودی نداشته است. بنابراین صبغهء بیطرفی و بی‏نظری او امری است مسلم و جای شبهه‏ای برای توهم اعمال سلیقهء ویژه برای‏ بدبین‏ترین افراد و ستیزنده‏ترین مدعیان باقی نمی‏گذارد.ازاین‏روی باید به نفس امر یعنی کار نقد بهای بیشتری داد،داوری خود او چنین است:نویسنده کتاب از مبانی نقد جدید بهره‏یاب بوده‏ است و هرچند در نوشتن مطالب از آنها فارغ نمانده و نخواسته است در همه موارد با نظرگاه‏ها و انگاره‏های غربی با شعر فارسی برخورد کند.چنان‏که در عین توجه به معیارهای دیرین نقد و بلاغت‏ در فرهنگ و ادب قدیم فقط به آنها اکتفا نکرده است.در این زمینه مقصود رعایت اعتدال بوده‏ است...»3

البته ممکن است با خواندن هر فصل(که توضیحات ضروری در باب زندگی شاعر و سبب‏ سرودن شعر میدان بحث و نقد را تنگ کرده است)بنظر چنین بیاید که پیرامون سبک و شعر هر شاعر بررسی جامع الاطرافی نشده است،ولی باید به دو نکته توجه کرد:نخست آنکه گزینش یک‏ قطعه شعر از یک شاعر طبعا این مجال را تنگ می‏کند و دیگر آنکه تعداد انبوه شاعران و تنوع آنها عذرخواه هرگونه اعتراض است.بار دیگر توفیق آن استاد بزرگ را در کارهای دیگری ازین دست‏ از خدای بزرگ خواستاریم.

تهران،25/6/1369